

رهگانی

ویژه مبارزات توده‌ای

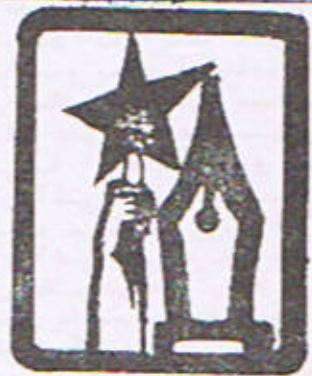


سال سوم ، شماره ۱۰۳
پنجشنبه ۱۹ شهریورماه ۱۳۶۰
پها ۱۰ دیار

دوبار در صفحه منتشر میشود

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

دولت آیت الله کنی «کابینه آشتی اسلامی»؟



در هر گوشه دنیا هر انسانی که ذره‌ای شعور داشته باشد، با شنیدن این خبرجات، بدون تأمل خواهد گفت که گوینده‌ی این عبارات را باید هر چه زودتر به دارالممانین معرفی کرد و طی روزنامه‌های جبهه خوار و مرزوم رژیم جمهوری اسلامی، این هدایای گزافی را با درشت‌ترین حروف ممکن، بر بالای صفحات خود قرار می‌دهند و صدا و سیما ی کره رژیم بدفعات آنها پخش میکند و نوکران خفیه رژیم آنها بعنوان کمکات قمار حکمانه نشخوار میکنند .

ما در اینجا قصد بررسی این هدایان گزافی را نداریم چرا که ذره‌ای ارزش بررسی برای آنها قائم نیستیم . بحث ما در اینجا در مورد بقیه در صفحه ۲

در ۱۶ شهریور ۶۰ آیت اله میدوی کسی با کابینه ۱۷ شهریور ۵۷ خود نزد آیت اله خمینی رفت . خمینی در این جلسه ، نطقی مثل همیشه بی سرو ته ایراد کرد که در زیر چند عبارت آن نقل میشود :

این انفجارات الان در همه دنیا هست . چهارتا پیش هم اینجا باشد . ما وقتی قایمیه کنیم سلطت خودمان را بر همه سالک که در عالم هست ، با ثبات سر از سلطت ما کدام سلطت هست . کجاست که وقتی یک نعمت وزیر تویر بشود ، به سرور اینکه شد ، یک نخست وزیر دیگری بجای او میاید و نظام امور را بدست میگرد ؟ ... حالا ما دیدیم رئیس جمهر شهید شد و همه ایران شباتش محفوظ است و بالا تو شده است و همه برای او سینه میزنند و عزاداری میکنند . از همه میخواهند حفظ کنید دیگران را . چه شباتی نیست ؟ همه جبهاتش تمام است . همه ی جبهاتش خوب است . در ایران جز اینکه هی چند نفر را میکنند و هی هر روز میکنند ، دیگر خبری نیست . بچم همه اینها ، ایران با ثبات ترین سالک است الان ، و این انفجارات و اینطور چیزها دلیل بر شباتش است . اگر متزلزل بود ، اینکارها نمیشد بنابر این ما چه گرفتاری داریم ؟

در صفحات دیگر :

- فائزوم های ساخت کارخانعات آیت اله خمینی
- قتل عام مردم بهگناه، تکلیف شرعی پاسداران سرمایه
- گزارشی از مبارزات خلق کرد

دولت ...

کابینه‌ی آیت‌الله کفی است که بنظر مسردستانه
هایی - هر چند ضعیف و هنوز کمربک - از یک
کابینه‌ی آشتی اسلامی را با خود به‌مراه داشته
باشد.

پس از کشته شدن رحایی و باهنر، سردمداران
رژیم بویژه مقامات عالی‌رتبه‌ی قضایی جمهوری
اسلامی، برنده‌ها سر دادند و حظ و نشانها کشد-
ند. از جمله دادستان کشور، آیت‌الله ربانی
املشی، به "دادگاههای اسلامی برای کشتور
رهنمود داد که از "امیرالمومنین" سباموزند که
"در یکروزه ۴۰۰ نفر را از دم شمشیر میکدرانند".
البته چنان پیشواشی بدون اینکه خم به ابرو
بیاورد در یکروز چهارهزار "کافر" را شمشیر
به قتل میرساند باید چنین بیروان جویشواری
نمزد داشته باشد. و اینها امروز با ملاحه‌های
مدون کسوفی قادرند چندین برابر شمشیر، قتل عام
کنند. امروز، بعد از قرنهای دروغ باقی و
عواقف‌پیی دربارهای پیشوایان مذهبی، پرده‌ها
کنار زده میشود. سباده مجاهدین که با یک
نمای صداقت، سپهر زمین و آسمان معلق اند و خود
را با بخشی از آیات، احادیث و اخبار، دلخوش
داشته‌اند، ناقل از اینکه پیشوایان درصدر
اسلام، از صدر تا ذیل - حتی خونها برین آنها -
در زمان خود، خمینی‌ها، کاشانی‌ها، بروجرودی
ها - شیخ فضل‌الله‌ها، بهشتی‌ها، منتظری‌ها،
شریعمداری‌ها، نواب صفوی‌ها، فلسفی‌ها،
رفسنجانی‌ها، موسوی اردبیلی‌ها، باهنرها،
هادی غفاری‌ها، خامنه‌ای‌ها، ربانی‌املشی‌ها،
قدوسی‌ها، محمدی کیلانی‌ها، خلخالی‌ها ... ی
زمان ما و پدران ما بوده‌اند. باری پیش از
عریده‌کنشها و هل من مبارزه طلبیهای ربانی‌املشی
و سایر رهبران رژیم، آیت‌الله خمینی بلافاصله
نه بخاطر "رافت اسلامی" (بعوذبالله!) بلکه
بخاطر ملاحظات بسیار مهم سیاسی، تطفی ایراد
کرد و در ضمن آن گفت:

"به تمام محاکم توجه میدهم سادا این
شرارنها باعث شود کنترل خود را از دست
بدهند و زائد بر قانون اسلام عمل کنند"
"سادا این، اسباب آن شود که خونینت
زیاد با اسیرها و زندانیها کنند."

نه سخنان تهدید آمیز ربانی‌املشی‌ها بنبروهای
انقلابی را بوجنت انداخت و نه خزعبلات ربانیکا -
رانی خمینی، کسی را فریب داد (چراکه علی‌رغم
این بیانات خمینی، جلادان رژیم به دستورا و
همچنان به کشتار خود ادامه میدهند و هر روز
دهها رزمنده‌ی انقلابی را به جوخه‌های اعدام
میسپارند). ماهیت جنایتکارانه‌ی ربانی‌املشی
ها و خمینی‌ها به یک اندازه برای مردم شناخته
شده است. اما چه چیز است که خمینی به
تندروبهایی دست نشاندهگان خود مهار بزند؟ بنظر
میرسد که دو عامل به‌تاز همه در این مورد

نقش داشته باشد:
۱- جلوگیری از کشتارهای انتقام جو-
جوپانه و سازمان نیافته و بدون برنامه، که
نهایتا هیچ مشکلی از مشکلات رژیم برای ایجاد
"بمنبت داخلی" را حل نمیکند. و جایگزینی
آن با سرکوب سازمان یافت، حساب شده، با
برنامه، و نتیجتا، در کوتاه مدت، موثر.
۲- بازگذاشتن منفذی برای نجسات
احتمالی از مرگ.

بررسی عامل اول را (اگر رژیم فرصتی
برای تحقق آن یافت و قبل از آن سرنگون نشد)،
به فرصت دیگری واگذار میکنیم و در اینجا به
عامل مهمتر و موثرتر بر این ناکتیک جدید خمینی
میپردازیم. زیرا آنچه در حال حاضر، علی‌رغم
باوه‌براسی نظیر "با شایات تر از مملکت ما کدام
مملکت است" و غیره، فکر خمینی را عمیقا بخود
مشغول داشته، چشم انداز سرنگونی رژیم منصور
اوست.

خمینی پس از نطق اشاره شده در مورد "اسیر
ها و زندانی‌ها" دومین گام را در راستای
هدفی که در فوق اشاره کردیم، با اکتساب مهدوی
کفی به سخت‌وربری، برداشت و بحای انتخاب یکی
از فالانتهای حزب جمهوری اسلامی، یک فرد "سطرف
و "مانه‌رو" را سرگزید که عضو حزب جمهوری
اسلامی نیست. آنها خمینی با انتخاب مهدوی کفی
درصد تشکیل یک "کابینه‌ی آشتی اسلامی" است.
همانطوریکه شاه در زمانیکه سرنگونی رژیم خود
را نزدیک دید، "کابینه‌ی آشتی ملی شریف‌امامی
را بوجود آورد؟ به این مطلب خواهیم رسید ولی
قبل از آن باید در راستای ناکتیک جدید خمینی
به یک نکته‌ی دیگر هم اشاره کنیم:

یکماه و چند روز پیش، کابینه‌ی حجت‌الای-
لام باهنر، دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، کابینه‌ی
"قاطعیت انقلابی" بود. باهنر چند روز قبل از
کشته شدنش به "گروهکهای امریکایی" اعلان جنگ
داده و برایشان خط و نشان کشیده بود:

"ما این گروهکهای امریکایی... را شش-
هنایم... و برانیم تا ثقله‌های اسر
قدرتها را در کشور پاک کنیم و بطور
قاطع این برنامه را تقویت خواهیم
کرد." (اطلاعات، ۶۰/۵/۲۶)

امروز در سخنان خمینی و اعوان و انصار او
نظیر رفسنجانی، خامنه‌ای، مهدوی کفی و غیره از
"قاطعیت انقلابی" سخنی بمیان نیامد. رجز
خوانی‌ها فعلا کنار گذاشته شده است. حتی
مهدوی کفی، وقتیکه از "بیت‌امام" بیرون
میآید، بدون هیچ ارنشاط یا سؤال خبرنگار
تلویزیون، "خطاب به گروهها" به آنها "توصیه"
میکند که: "سلاحها را بزمین بگذارند". (اطلاعات
۶۰/۶/۱۷ - سائیده‌ها آزماست)

ربانی‌املشی جلاد در "معاویه‌ی اختصاصی
با اطلاعات، رهنمودهای چند روز پیش خود به
"دادگاههای انقلاب اسلامی" و درس آموزی از
"حضرت علی"، را فراموش کرد و اعلام داشت که:

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دیگر باید

را کلاه گذاشت. میتوان مفسطه بافی کرد، شوجیهات علمی یا اسلامی ارائه داد، میتوان جدا نمونه از عبارات "خوبتر آن و بسا از آرشبو کلمات فقار" بنیانگذاران سوسیالیسم علمی و پشوایان مارکسیسم - لنینیسم و رهبران استالینیسم و ماشوشیم، بیرون کشید و لسی واقعیت تاریخی اینست که بزرگترین سازمان خرده بورژوازی دموکرات و بسیاری از سازمانها و گروههای کمونیستی نیز در برپایی و استقرار رژیم مغفور خمینی، نقش اساسی داشته اند و امروز نمیتوانست مسئولیت تاریخی خود را که مبتنی بر عملکردها، موفقیتهای و نوسه های چاپ شده ای آنهاست، منکر شوند.



اگر در روزهای آینده، چشم انداز حتمی مبهمی برای منکلات عظیم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نظامی رژیم پیدا نشود، اگر مبارزه ی مسلحانه و غیر مسلحانه ی مخالفان رژیم همچنان موج بگرانی و وحشت بپراکند، اگر مبارزان مسلح گرد، به ضربات کوبنده ی خود علیه رژیم ادامه دهند، اگر رژیم موفقیت حتمی ناچیز واقعی (نه دروغین و تبلیغاتی) در شبهه های جنگ با عراق بدست نیاورد، اگر پادشاهان همچنان کشته شوند یا فرار کنند و سربازگشت روحانیون به حوزه های علمیه ادامه یابد، اگر وقایع هنوز غیر قابل پیش بینی، باقیمانده ی اعتماد به نفس ظاهروری رهبران رژیم را از بین ببرد، اگر پولی از جایی (شاید از "در غیب") به خزانه ی خالی دولت ریخته نشود و بسیاری اگرهای دیگر رژیم خمینی را در معرض برنگونی حتمی قرار دهد، در این حال ممکنست کابینه ی مهدوی کنی، "کابینه ی آشتی اسلامی" یابد و تاکنیک عقب نشینی موفقی، به مورد اجرا درآید. ممکنست گفته شود که رژیم خمینی در سرکوب نیروهای اسلامی مخالف آنچنان پیش رفته که راه بازگشت برایش باقی نمانده است. در مورد "عارش ناپذیر بودن خمینی افسانه هایی هنوز رواج دارد که اساسا نادرست اند و در مورد عقب نشینی های موفقی خمینی در دو سال و نیم اخیر دهها نمونه میتوان ارائه داد. مگر بحال خمینی در آغاز ماحزرای گروگانگیری و عقب نشینی فضاحت بار سندی او را فراموش کرده ایم؟ مگر خمینی سببگفت که "اگر آمریکا، شاه و دارایی های او و خانواده اش را تحویل بدهد در اینحال ممکنست که جاسوسها را محاکمه نکنیم". ولی سرانجام، آمریکا نه شاه را پس داد و نه دارایی های او و خانواده اش را و خمینی گروگانها به امانی پیش از پنج میلیارد دلار دغایر ارزی ایران را به آمریکا - لیس آمریکا هدیه داد.

عقب نشینی احتمالی خمینی در مقابل نیروهای اسلامی، نه از عقب نشینی او در مقابل آمریکا خست بارتر است و نه از نمونه ی دیگری که بعدا (در مورد کردستان) ارائه خواهیم داد.

"سائهی ۱۰ ماده ای دادستانی کل به قوت خود باقی است." (اطلاعات ۶۰/۶/۱۸۰)

و یا عقب نشینی تاکتیکی مرورانه ادامه داد ؛ اما باید متذکر نوم گروهکهای که مسلح شدند و با ما سر دعوا دارند و توجهی به این اطلاعیه ها نمکنند و تنها صلاحشان سلحهی گرم است. ما هنوز اعلام میداریم که اطلاعیه ی ۱۰ ماده ای دادستانی انقلاب یا نظر شورایعالی قضایی بوده و بقوت خود باقی است و هر کسی که بخواهد در این مملکت فعالیت سیاسی داشته باشد باید از چهارچوب قانون اساسی و مقررات خارج نشود زیرا ما اجازه ی فعالیت سیاسی را در چهارچوب قانون اساسی احراب میدهیم و خواهیم داد. (همانجا)

سؤال قبلا عنوان شده را تکرار کنیم: آیا کابینه ی مهدوی کنی، "کابینه ی آشتی اسلامی" است؟ بنظر ما هم آری و هم نه و دقیق تر اینکه: بهنگام نگارش این مقاله، هم آری و هم نه. دو هفته ی دیگر، یعنی در اولین هفته ی مهر ماه، اگر میخواستیم به این سؤال جواب بدهیم میتوانستیم دقیقتر (نه کاملا دقیق) بگوئیم: آری یا نه. توضیح خواهیم داد برای چه؟



خمینی بارها و بارها، چه قبل از قیام و چه در این دو سال و نیم، از "سرمش" مرورانه ی تاکتیکی و دقیقتر بگوئیم از تجربه ی سیرتسنگ استفاده کرده و هر بار که خورش از بیل کشیده، به تنها به باران و متحدان مقطعی، بلکه حتمی به دشمنان ساده لوح خود، خندیده است. در اینجا لزومی ندارد که به یادآوری ترازوی دردناک و دیوانه کننده ی ماههای قبل از قیام بپردازیم و تک بروی رحمتها بپائیم و بروی سیرتسنگ بار بپاییم. در همین شهادت قرن را دنبال کنیم. در اینجا به فرصتهای سرک و گراشهای تاریخی میپردازیم. به گمان بعد از قیام بوجود آمده که سوانسند و استعدادهای منجوس رژیم ولایت فقیه حلوگیری شد و با سر این حیوان دریده را به سنگ بکوبند. ولی به تنها بخاطر حماقتهای طبقاتی و حیانتهای بزرگان ها، سنجاسی ها و بنی صدر ها، بلکه بیشتر بخاطر فریب طلبی ها، محاسبات کاسکارانه، تسلیم طلبی ها و فقدان آگاهی طبقاتی بزرگترین نیروهای دموکرات (مجاهدین) و بیپ (فدائیان خلق) سرپاد رفتند. امروز مسعود رحوی در محامه های خود در خارج از کشور چه راحت میتواند بگویند:

"ما از همان اول مخالف خمینی بودیم."

مگر میتوان بروی هزاران هزار نمونه از اعلامیه ها و جزوات مجاهدین و مقالات مجاهد (حتی بنا برین سه ماه پیش) به بکاره با سبک سارت، خط سیاه کشید. به مردم میتوان دروغ (مسلحتی) گفت ولی مگر میتوان سر نارنج از

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

"مشکل" تر. بویژه اینکه توجه کنیم خطر ناسودی رژیم او در حال حاضر، بیش از هر زمان دیگر در گذشته است. خمینی، علیرغم پاوه گویی هایش که در آغاز این مقاله نقل کرده ایم، هیچگاه رژیم خود را مانند امروز در آستانه سقوط ندیده است.

علاوه بر اینها، اگر قرار شود که کابینه‌ی مهدوی کنی، "کابینه‌ی آشتی اسلامی" باشد، هیچ لازم نیست که خمینی را با اقدام کند و ممکنست همانطوریکه در ماجرای "حل مسأله‌ی گروگانگیری" دیدیم، احلا خود را وارد مفرکه نکند و رهنمایی با و کسی حا و "دیگران" (مثلا فلسطینی ها) محلل نمیه باشند.

در این حال ممکنست این سئوال پیش بیاید: حتی اگر خمینی حاضر به عقب نشینی شود، نیروهای اسلامی مخالف (بویژه مجاهدین)، با توجه به آنچه بر آنها گذشته، حاضر به مصالحه نخواهند بود. تحریکات تاریخی در همه جا، و در این دو سال و نیم در ایران، نشان داده است که چنین سنت، سازرگان ها با سر خواهند دوید، سنی - مدرها با کسی ساز و غمزه از راه خواهند رسید (مگر بسی صدر همین چند روز پیش در پارلیس گفته بود: "در صورتیکه آیت الله خمینی، طبق تعهدانش در نوفل لوشاتو در سال ۱۹۷۹، رجعت به آزادیها را بپذیرد، حاضریم که به ایران برگردیم". رورنامه‌ی فرانسوی لوماتن، ۱۷ اوت ۸۱-۲۶ مرداد ۶۰). و اما مجاهدین؟ در صورت بروز احتمال عقب نشینی، متاسفانه مجاهدین حتی امروز نیز آمادگی از راه رسیدن و لبیک گفتن را ندارند. از اضماعل حدیثیه ناپذیر "زلزل و ناپهگیری حرده بورژوازی در مبارزه که بگذریم، عملکردها و موصفیهایی مجاهدین در دو سال و نیم گذشته و حتی تا قبل از ۳۰ خرداد ۶۰، جز این نبوده است.

در دهماه ۵۹، زمانیکه مجاهدین از هبیر طرف مورد شهاجم رژیم قرار داشتند و تظاهرات مسالمت آمیز آنها در تهران و شهرستانها بدون کشیده میشد، نامه‌ای به مرتجع معروف آیت الله منتظری نوشتند و از فردی که بیش از همه آنها را مورد حملات شدید و وقیحانه قرار میدادخواستند که "توبیه‌ی آنها را به مقامات و مسئولین مسملکت" بفرماید:

"... حضرت آیت الله منتظری! بخدا ما در این مسملکت خیلی مظلوم واقع شده ایم ... ما هم چیزی نمیخواهیم جز اینکه حداقل همین حقوقی که در قانون اساسی ((برای "اقلیت ها")) شناخته شده در مورد ما هم رعایت شود تا ما هم بتوانیم با فراع بال و در کنار مردم به وظایف اسلامی و انقلابی خودمان در جهت حراست از میهن و انقلاب و مکتب بپردازیم. امیدواریم جنابعالی در این زمینه توبیه های لازم را به مقامات و مسئولین مسملکت بفرما - شید." (مجاهد، شماره‌ی ۱۰۳)

و در صورت اظهار مطلق خمینی به عقب نشینی

موفتی و اعطای امتیازات هر چند کوچک و در صورت معرفی رسمی کابینه‌ی مهدوی کنی بعنوان "کابینه‌ی آشتی اسلامی"، نباید شجب کرد که مجاهدین از نیروهای باشند که به "پیمان انقلابی امام" لبیک بگویند و بسیاری از نیروهای چپ، همچون گذشته (که نه شناختی از ماهیت طبقاتی حاکمیت دارند و نه از تجربیات فراوان دو سال ونیم اخیر چیزی آموخته اند) یکبار دیگر دچار سرگیجه شوند و یکبار دیگر بدام افتند. این تراژدی بزرگ ملتی است که سرسوت آن بازبچسبی حاکماتی دغلیاز و شهاد و معالقای ساده لوح و فرص طلب و نادان است، چرا که طبقه‌ی کارگر، طبقه‌ی واقعا و نا به آخر انقلابی، هنوز در صحنه‌ی کارزار حضور ندارد.



احتمال عقب نشینی رژیم، با توجه به مجموعه‌ی عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و سیاسی توجه به نشانه‌های چشمگیری که در صفحات قبیل ارائه داده ایم و علامت کمتر چشمگیری که در صفحات بعد عنوان خواهیم کرد، امروز احتمال چندان ضعیفی نیست. فقط حوادث و وقایع غیر قابل پیش بینی در روزها و هفته‌های آینده (ونیز پاره‌ای "عوامل" موهوم نظیر بد آمدن استخاره) ممکنست این احتمال را به حد صفر برسانند و خمینی تا حد خودکشی پیش برود. خمینی فقط جنایتکار و شهاد سبیلکه بندباز بسیار ماهری هم هست و حتی با "جواب آمدن استخاره" نیز ابتدا به خودکشی علاقه‌ای ندارد. خمینی چه قبیل از نیام و چه پس از آن بارها و بارها، مهارت خود را هم در شهادی وهم در بندبازی نشان داده است.

امروز کمتر اهلپهی است که شمیده بسیاری سفارت آمریکا را به بعنوان وسیله‌ای برای استحکام حاکمیت ارتجاعی ولایت فقیه بلکه بعنوان مبارزه‌ی صدامبرهالینتی باور داشته باشد ولسی در آنوقت بسیاری از سازمانهای کمونیستی و دموکرات (منحصرا فدائیان خلق و مجاهدین) بریب آن خیمه شکاری را حورده و خمینی را مادقانه "رهبر فدائمبرهالینت" میخواندند. در آن ایام کم نبودند کسانی که خیال میکردند خمینی آنچه تند رفته است که در هیچ حال امکان ندارد (و حتی اگر بخواهد، نمیتواند) در مقابل امریکا کوتاه بیاید ولی دیدیم که با چه سرشکستگی و خفتی در مقابل امریکا کوتاه آمد و کمر خم گرفت. گفته ایم و تکرار میکنیم که عقب نشینی احتمالی خمینی در مقابل مخالفین داخلی (در چرگه‌ی اسلامی و طرفداران رنگارنگ جمهوری اسلامی) فقط در حالتی خواهد بود که مرگ حکومت ولایت فقیه خود را قطعی و اجتناب ناپذیر ببینند. در این حالت "رهبر مارش ناپذیر" بهانه‌ای، حبله و سیرنگ جدیدی، وسیله‌ای برای آن پیدا خواهد کرد. یک عقب نشینی موفقی بمنظور آمادگی بیشتر برای جهش بعدی، از نمونه‌های بسیار، یک نمونه‌ی معروفتر از این ناگفتیک سیرنگ را در زیر نقل می کنیم :

پیش بسوی تدارك انقلاب سوسیالیستی

کودتای ۲۸ مرداد ۵۸، حمله به سروهای انقلابی، تعطیل روزنامه‌های مترقی، یورش و اشغال مقر سازمانهای انقلابی و دموکراتیک و بالاخره اولین حمله‌ی سراسری به کردستان را به دنبال داشت. در ۲۷ مرداد، یکروز قبل از افتتاح مجلس ارتجاعی خبرگان و ماهها قبل از اینکه قانون اساسی قرون وسطایی رژیم تصویب شود، خمینی فرمان معروف خود را صادر کرد و در آنجا برای اولین بار خود را "فرماندهی کل هوا" خواند. در فرمان جلاد برای اولین گشتار سراسری کردستان آمده بود:

"من بعنوان فرماندهی کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور میدهم، "اکریا توپها و تانکها و قوای محبر تا ۲۴ ساعت حرکت نسوی پایه بشود. من همه را مسئول میدام." من دستور میدهم بطرف پساوه رفت و غائله را ختم کنند.

بدنبال حملات وحشیانه و گسترده‌ی سپاه پاسداران و ارتش فرماندهی مشترک وزیر دفاع، بمظفقی چمران و فرماندهی ستاد عملیاتی سپاه پاسداران اموشریف، پس از گشتار هزارتنی از توده‌های معروف کرد توسط تانکها، خمپاره‌ها، بمب افکنها، پس از جنایات خلیجی دوانه که به دستور خمینی به کردستان اعزام شده بود، پس از رجوع خواستهای بشمار خمینی و سایر رهبران جمهوری اسلامی که تا پیروزی کامل و ختم غائله، جنگ ادامه خواهد یافت، کم نبودند کسانی که میبایست شدند خمینی تا آنجا در حرف و در عمل پیش رفتند که راه بازگشت برای خود باقی نگذاشته است. ولی از یکطرف مقاومت قهرمانانای خلیج کرد و شکست نظامی مقتضای رژیم جمهوری اسلامی و از طرف دیگر نزدیکی زمان رفوانسردوم قانون اساسی ارتجاعی، خمینی را بیکبار دهبگر وادار به عقب نشینی موقتی کرد. خمینی تا کهان در میان معجب همگانی در ۲۶ آبان ۵۸ پیغام مغفلی فرستاد که منظوری از اشرا نقل میکنیم:

"سلام بزرگ تمام شمسها را محکوم کرده و برای هیچ گروهی ویزگی خامی قسوار نداده... و در سپاه اسلام و جمهوری اسلامی حق آداری امور داخلی و محلی و رفع محرکونه تمسیر فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است منجمله برادران کرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تامین آن در اسرع وقت میباشد و مقررات و قوانین مربوط به آن پیرودی انشالله تعالی تدوین میشود." (اطلاعات - ۵۸/۸/۲۷)

از هیات ویژه، میخواهم که به مذاکرات خود با کمال حسن نیت ادامه دهند و با شخصتهای مدعی و سیاسی و ملی سایر قشرها تماس بگیرند تا تا مین خواسته‌های آنان که خواست ما نیز هست تلور دلخواه بشود." (همانجا)

در این پیام خمینی دست خود را نه تنها سوی "برادران کرد" بلکه "عاجزانه" سوی تمام "خواهران و برادران هم مین سراسر کشور" دراز میکند:

"خواهران و برادران هم مین در سراسر کشور، من دست خود را به پیش شما دراز میکنم و از شما بخاطر خدا و اسلام و کشور عاجزانه میخواهم که تمام توان خود را برای نجات کشور بکار برید."

و آخرین عبارت پیام مفضل "شاید بزرگ چنین پایان می‌یابد:

"ارالهی، من ما موریت خود را که نصیحت به ملت است بقدر توان صعیف خود انجام دادم و نوای خدای بزرگ، قلیوب ملت ما را ببوند برادرانه عطا نما.

در سدر لحظاتی که بدنبال شکست نظامی رژیم، مقاومت قهرمانان و فداکاری خلق کرد مبرفت که شمراث خود را بهار آورد و صربه‌های نهایی (حداقل در کردستان) بر این رژیم منفور وارد آورد، شهرت جدید ما پیام ۲۶ آبان خمینی صادر شد. به تنها کلمه‌ی گروهها و سازمانهای سوززواپی و حرده‌پوززواپی (از جمله حزب دموکرات و سازمان مجاهدین)، بلکه اکثر گروهها و سازمانهای کمونیستی (سویزه فداشبان خلق یعنی عمده ترین نیروی فعال کمونیستی سراسری در کردستان)، دچار حرکت شدند و بکار دیگر، از خمینی رو دست خوردند.

شما زندگان رژیم جمهوری اسلامی بدستور شعر خمینی (بطوریکه در عبارات پیام مندرج در فوق نیز منعکس است) نه فقط با قاسطوی مفسد، عزالدین مفسد بلکه سویزه شما بندگان "کفر و الحاد" به مذاکره نشستند. اتفاقا همین آیت الله سیدوی کسی (سخت وزیر "کابینه‌ی آنتی اسلامی" احتمالی) بعنوان عضو شورای انقلاب اعلام داشت:

"حزب دموکرات دوباره به رسمیت شناخته میشود." (اطلاعات - اول آذر ۵۸)

و قاسطو در میتینگ بزرگ مها باد گفت:

"ما به پیام امام لبیک گفته‌ایم." (اطلاعات - ۵۸/۸/۳۰)

سازمان مجاهدین خلق، که بقول رفقای کومه له در شماره‌ی یک نشریه‌ی "پیشرو" درباره‌ی گشتارهای وحشیانه‌ی رژیم کاملاً بی تفاوت مانده بود، تا کهان ذوق رده شد و قبل از تمام گروهها و سازمانهای سیاسی درباره‌ی پیام ۲۶ آبان، خمینی، موضع گرفت. مجاهدین در اعلامیه‌ی مورخ ۲۷ آبان ۵۸ خود، که در صفحه‌ی اول اطلاعات همان روز بچاپ رسید، خطاب به خمینی چنین نوشتند:

"بدر بزرگوار، پیام شما یعنی بر ضرورت برسمیت شناختن حق آداری امور داخلی

گشتار انقلابیون بدون جواب نخواهد ماند

و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی برای تمام اقشار و طبقات ملت و برادران کرد، طب فرزندخواندهان شما (ز میاهدین) را ملامت از سرور و شادی نمود...

در این طب نشینی یوقی، خصمی از همان آغاز ابتدا قصد رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی برای تمام اقشار ملت و برادران کرد را ندانست. هدف او با توجه به شکست نظامی رژیم و پشتسر گذاشتن مرحله مهم فرانسوی قانون اساسی چیزی جز تعدید قوا و تدارک خطای سراسری میدور به کردستان نبود که پنج ماه بعد در اوایل بهار تقریباً همزمان با پیروزی دانشگاهها، با شرکت فعال بنی صدر، رییس جمهور و فرمانده گ قوا، لغاز شد و هتسوز ادامه دارد.



و امروز که بحران رژیم بعثت برگ بار نرسد از کلبه بحرانهای گذشته است و خصمی بیست و هفت هر زمان دیگر رژیم منفر خود را در آستانه سقوط مینماید، احتمال طب نشینی و نبرنگ جدید به پیروی دور از ذهن بنظر نمیرسد. اگر های اشاره شده در صفحات قبل، میتواند از کابینه مهدوی کنی بطور رسمی کابینه آشتی اسلامی بسازد. نشانه های آزاره شده در صفحات قبل را در اینجا بطور خلاصه نقل میکنم:

- ۱- توجه دادن خصمی به تمام محاکم در مورد از دست ندادن کنترل خود و عدم افسال خشونت زیاد با اسیرها و زندانیان.
 - ۲- لعن کثیر تهاجمی روزنامه های مزدور صدا و سیما و وقوع و تکرار رژیم در چند روز اخیر نسبت به نیروهای انقلابی.
 - ۳- سعی غیر متعارف رهبران رژیم نظیر رضنجانی و خامنه ای و غیره در آرام کردن جو او ایستاد محوطه های اخلاقی بجای شاخ و شانه کشیدنهای معمولی.
 - ۴- فرو نشستن فلپانیهای انقلابی در استان کربلا، رانی امش، و اطلاع بی مقدمه او در مورد همپیمان معتبر بودن بهانیه کدایی (مادامی دادستانی در زمینه آزادی فعالیت های سیاسی بر اساس قانون اساسی).
 - ۵- انتصاب یک صبره غیر حزبی و میانرو از طرفی خصمی به نخست وزیر بجای انتصاب قلاتو معروف حزب البس.
 - ۶- توصیه بی نفعت وزیر جدید به گروهها در موردی تشبیه بودن صلیبات سلطانه و در خواست عدم توسل به سلاح بجای تهدیدها، التیاماتوم ها و ضرب الاجل های متداول بر اینها میتوان نشانه های کمتر چشمگیر را بصورت شرطی و سؤالی مطرح کرد:
- (۱) غیبت صغری پانزده روزه خصمی، همیون سایر موارد بحرانی و حساس گذشته، برای اعلام موضع غیر متوجه و فاشگرکننده است و با همیون محل صالنه گروگانها، برای ساکت ماندن و باز گذاشتن دست و بال عطسه و آره ها و کارچاقی کن های اوست؟

(۲) تعطیل پانزده روزه مجلس، علاوه بر وحشت رژیم در مورد انفجار کاخ مجلس سنا و نابودی وکلای اسلامی، آیا دلیل دیگری نیز ندارد؟

(۳) بنی صدر بارها در صاحبه های در خارج از کشور گفته است: اگر آیت الله خصمی احادها را متوقف کند، بمب گذارها و تروریستها هم متوقف خواهند شد. و نقل قول اخیری از او را در صفحات قبل آوردیم که: اگر خصمی رجعت به آزادیها را بپذیرد حاصر به ایران برگردم. سوال این است که: اینها نظر شخصی آقای بنی صدر است و یا این فرمایشات مورد تأکید متحد و هتسوز او، سعید رجوی نیز هست؟

(۴) آیا هانی الحمن، ضامو نزدیک باسر مرقات و سفیر سابقی قطین در جمهوری اسلامی، فقط برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد خرید اسلحه توسط جمهوری اسلامی از اسرائیل به ملاقات سعید رجوی رفته است و یا با توجه به روابط بسیار خوب او با رهبران رژیم و صمد رجوی، ماموریتی مستقیم یا غیر مستقیم داشته است؟ البته هانی الحمن، پس از ملاقات با رجوی، در ضمن گفتگوی کوتاه با خبرنگاران، با تأکید به روابط حسنه با جمهوری اسلامی و برادران میاهد، گوشه ای از برده را کنار زد. ما نمیخواهیم در ایران حمام خون بسرا بپوشد (جالب است که بدانیم پس از افشا ملاقات هانی الحمن و سعید رجوی، سازمان باسر مرقات در بیروت بلافاصله خبر این ملاقات را در روج محض خواند و اعلام داشت که در زمان ملاقات، هانی الحمن نه در پاریس بلکه در صوفیه بود. البته روز بعد روزنامه های لوپاتن پاریس و تایمز لندن، حکمهای از هانی الحمن در کنار سعید رجوی در اقامتگاه بنی صدر در حومه پاریس، انتشار دادند. و سعید رجوی نیز در صحابه با نشریه لبنانی "السنهار" این ملاقات را تأیید کرد.)

اگر تعلق این موزائیک ها یعنی نشانه های غیر چشمگیر (که سکست در ریزها و هفته های آینده با شفافیت بیشتری قابل رویت باشند) و نشانه های چشمگیر اشاره شده در فوق را در کنار عوامل تعیین کننده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و در کنار وحشت صغری رهبران از سقوط رژیم و اختلافات شدید بین آنها (بین حاکمیت بظاهر یکدست و یکپارچه م در زمینه نحوه برخورد با مخالفان و عدم کارائی سرکوب خونین و وحشیانه و غیره قرار دهیم، آنوقت میتوان پیش بینی کرد که احتمال تبدیل کابینه مهدوی کنی به کابینه آشتی اسلامی، احتمال چندانی ضعیفی نخواهد بود؛ با تأکید بروی این شرط، که نزدیک خصمی در سرنگونی قرب الوقوع رژیم او به یقین تبدیل شود. و در شرایط کنونی، فاصله این تردید و یقین یک گام بیشتر نیست. و نیز انتصاب مهدوی کنی به نخست وزیر و اعلام رسمی کابینه آشتی اسلامی، او کابینه آشتی ملی شریف امامی را به رژیم جنایتکار شاه تبدیل کرد، میتوانست کابینه آشتی اسلامی مهدوی کنی را به رژیم جنایتکار خصمی نیز تبدیل کند. و طی همانطوریکه میانه رو و غیر حزب رستاخیزی بودن شریف

فکر و پایداری ساخت کارخانجات آیت الله خمینی

در بی صاعقه فتنه امپریالیسم و نژاد پرستی
غیر خرید اسلحه از رژیم استعمارگر قدس ، امام
امت نیز در مبارزه با یورش استعمارگر و
اضای انجمنهای اسلامی دانشجویان خارج از کشور
گفت :

جانب سردمداران رژیم ضد کارگری جمهوری
اسلامی ، شکست زده می شود . در قرن بیستم حتی
کودکان خردسال نیز آگاه تر از آنند که با
کنده عراق ، اسرائیل را وارد کرده (آرم دلش
برای اسرائیل کباب میخورد ، بیچاره اسرائیل) که
مراکز اتنی عراقی را بمباران کند .
بهر رو اگر خزیمات امام امت را صد در
صد بپذیریم ، یک سیاله هنوز برای ما حل نشده باقی
می ماند و آن آدرس کارخانجات اسلحه سازی
اسلامی امام خمینی است که بعد از به سران کردن
شاه و آمریکا از ایران و قطع ایستادگی امپریالیسم
به منظور تأمین نیازهای ارتش کهن
ایران ، آغاز به کار کرده است . ما از دولت
مکشی میخواهیم که این خیبر دشمن شکن را به
منظور مزید اطلاع امت بخیر کند .
بازی ۳ امت همیشه در صحنه باید بداند که
رژیم جمهوری اسلامی قطعات بدکی قانقوم ، انواع
هواپیماهای نظامی ، رزم ناو های نیروهای
دریایی ، کشتی های جنگی ، موشک های جت و
تانکهای چیغین ، انواع سلاحهای سبک و ... را مطلقاً
از هر قدرتها خریداری نکرده و تمامی این
قطعات در همین کشور و به دست پرسنل مسلمان
مکشی متعدد تولید می شود .
با روشن شدن آدرس کارخانجات اسلحه سازی
اسلامی امام خمینی و آشنایی امت با نحوه کار
این کارخانجات شایعه خرید اسلحه از اسرائیل
نیز به خودی خودی تنهائی برای امت مسلمان
ایران ، که برای تمامی (مردم مستضعف جهان) روشن
خواهد شد .

ما اسرائیل را قابل آرم (!) نمیدانیم
تا اینکه با او رابطه داشته باشیم . ما
بیش از بیست سال است که با هر جفا
دست ((آری فقط صحبت)) شده است
و هر جفا اعلامیه پخش شده است یکی از
آهوی که در راس صایل ما بوده است
اسرائیل بوده است . . . همین صدام . . .
برای سرپوش روی این جنایات اسرائیل را
وارد می کند این مرکزی را که آنها دارند
(مرکز اتنی عراق) بمباران کند تا
یک وسیله ای بشود برای اینکه گفته بشود
اسرائیل مخالف صدام است .

هر ما دانسته نیست که این شیوه های ارزان دروغی
امام امت از وضع امر خارج است
آمخته و با برکت . اما مطمئن هستیم که بقایای امت
هنوز هم در صحنه ای که حوصله
شنیدن سخنان امام امت را داشته ، در پاسخ باین
پاوه های مبتذل ، دستکم پوزخندی تحول امام
امت داده اند .

ما در مقالات گوناگون نشریه در باره هر دو
رژیم ضد کارگری و ضد مردمی ایران و عراق و وابستگی
آنها به سرمایه جهانی توضیحات
فراوان داده ایم . اما بحث بر سر این است
که آرسی از این همه دروغ و ابله فرض کردن مردم از

دولت . . .

امامی و کابینه آشتی ملی او نتوانست
سرنگونی رژیم جنایتکار شاه جلوگیری کند ، غیر
چیزی و میانه رو بودن مهدوی کی و کابینه
آشتی اسلامی احتمالی او نیز در آینده نخواهند
توانست رژیم جلاور خمینی را از سرنگونی حتی نیجات
دهد . همانطوریکه شریف امامی ، نخست وزیر ، رئیس
مجلسین و از مهره های اساسی رژیم شاه و در
تمام جنایات او شریک بود ، مهدوی کی نیز
بعنوان عضو اولیه شورای انقلاب ، سرپرست
کمیته ها ، وزیر کشور و از مهره های اصلی رژیم خمینی
و در کلیه جنایات رژیم او سهیم است . رژیم
ستامل و درمانده خمینی با یا بدون کابینه
قائمیت انقلابی با یا بدون کابینه آشتی
اسلامی محکوم به سقوط و زوال حتی است .

در صورت بروز نبرده جدید خمینی ، برای
رهایی از کابوس این رژیم جنایتکار و به دور رفتن
لاشه پوسیده و شعلن آن ، هیچ راهی (حتی برای
کسانی که شناخت طبعی در مورد قوانین ناظر بر
مبارزه طبقاتی ندارند) جز استفاده از همگان
تأکید سازش ناپذیری خمینی در زمان شاه وجود

ندارد : خمینی باید برود . در هر شرایط (با
یا بدون عقب نشینی موقتی خمینی) ، هیچ عاقبتی
جز استفاده از تأکید سرنگونی رژیم اسلامی
منصور نیست . باید رژیم خمینی (نه آنطوریکه
فلا میاهدین میگویند) و اکنون فدائیان اطمینت
میگویند : حزب جمهوری اسلامی (سرنگونی خواهد

هموطن !



با توجه . . . انکائات . . . از زمان
ما در جاب و سمیع و بخش گسترده رهایی
که خود ناشی از اقدامات سرکوبگرانه رژیم
ارتجاعی و استبدادی حاکم است ، کوشش کن
پس از خواندن رهایی (در صورتیکه
آنگاه تکمیل آنرا ندای) بهر وسیله ممکن هر
شماره را لااقل بدست همسایگان ، دوستان و
آشنایان خود برسانی و با اینکار سهم خود را
در افشای ماهیت ارتجاعی ضد مردمی رژیم
جمهوری اسلامی برای در هم شکستن جو اختناق
و سرکوب و در مبارزه طبقاتی و استفاده ادا
کنی .
مهدوی با ماست

قتل عام مردم بیگناه ، تکلیف شرعی پاسداران سرمایه

"امام امت" در پی رویدادهای سیاسی اخیر کشور ناگزیر شده، بیش از پیش در صحنه حاضر گشته، چهره‌ی ماورای طوفانی و آسمانی را که از خود در ذهنیت‌توده‌های متوهم رسم کرده بود، درهم دریده، و خود را با اداری امور را در دست گیرد. از آنروست که مردم هر روز بیش از روز قبل با چهره‌ی حدید دژخیم آشنا میشوند.

اما نطق اخیر خمینی عطا به پاسداران و مسئولین رادپو نلوپوزیون، در برگیرنده‌ی مطا لسی است که چهره‌ی دژخیمان و قد بشری رژیم او را بیش از پیش عریان می‌آورد. "امام امت" بعد از ذکر تمارقانی همچون:

"ما میل داریم همه‌ی عالم در صلح و صفا باشد. اگر قدرت داشتیم اصلا باروت را از بین می‌بردیم (لایذ با تی.ان.تی.)، قوای منفجره را از بین می‌بردیم...

میگوید:

"اگر بگذشته از مسلمین را کفار بهر قرار دادند، فرض کنید که عراق فاسد یک دسته‌ای از مسلمین بیگناه را بهر قرار داد و پشت آنها ایستاد که بریزد ایران را بگیرد بر ما واجب است که مسلمان و غیر مسلمان را بکشیم، مسلمان ها شهید هستند و به بهشت می‌روند و کافرها پیش کافر و به جهنم."

راستی چه شده "امام امت" که دیروز میگفت در

دولت...

برخورد انقلابی با رژیم خمینی، نه سر - گشتگی همیشگی "اقلیت و بکار بردن عبارات "دیپلماتیک" است، نه راست روی "بیکار - به عنوان آنهمه چهره‌ی های گذشته - در اتفاق "ناگتیک عقب نشینی موقت" (مقاله‌های ۱۱۴ و ۱۱۵ بیکار)؛ و نه معانات منظور نیروهای دموکرات در صورت عقب نشینی موقتی رژیم - سر - خورد انقلابی در مقطع کنونی، در هرحال و حتی در صورت اعطا پاره‌ای امتیازات از طرف رژیم، طرح صریح و قاطعانه‌ی مسئله سرنگونی رژیم و بر داشتن کامهای عملی در اس زمینه است. باید به این رژیم نیمه جان محکوم به مرگ، کاری ترین ضربات مهلک را فرود آورد. و گرنه، آیت الله با

جنگ یا کفر عراق اخلاق اسلامی از جانب "قوای اسلام" رعایت میشود و نیروی هوایی جمهوری اسلامی صرفا به بمباران مناطق نظامی عراق اقدام میکنند، امروز میگوید: "بر ما واجب است مسلمان و غیر مسلمان را بکشیم چه شده که امام امت بعد از یکسال از آغاز جنگ - سر - مایه داران ایران و عراق چنین فتوایی میدهد. واقعیت اینست که مطلب چیز دیگریست و "امام امت" همچون تمام موارد دیگر دروغ میگوید و لابوشانی میکند. آیا ارتش عراق به هنگام حمله، مسلمانهای ایرانی را بهر قرار می‌کشد، یا پشت تانکهای خود پناه می‌گیرد؟ پس تکلیف شرعی امام درباره‌ی چه موضوعی است؟ مطلب از این قرار است که پاسداران امام و نیروهای سرکوب رژیم در مقابله با نیروهای مترقی دچار محظوراتی هستند. مثلا زمانی که به تعقیب یک اتومبیل "مشکوک" پرداخته‌اند، احتمالا به علت ترس از یک نتوانسته‌اند، به آن اتومبیل برسند و یا مثلا یک فرد تحت تعقیب توانسته با استفاده از اردحام مردم از دست پاسداران امام بگریزد، و با پاسداران سرمایه که به منظور دستگیری عناصر کمونیست و مترقی به خانه‌های آنها هجوم آورده‌اند، با مقاومت مسلحانه‌ی این مبارزین مواجه شده‌اند. در چنین حالتی با باید پاسدارها با استفاده از تفنگ و تیربار و طباخچه و نارنجک دستی و گاز اشک‌آور در شرایط تقریبا برابر با نیروهای انقلابی مقابله میکنند، و با خیال خود را آورده کرده، قید تمام مسلمین را که مثلا در طبقات دیگر همان ساختمان، دور آن حول و حوش هستند، زده و تمامی ساختمان را با آتش می‌سوزانند، و انواع موشکهای دیگر نابود میکنند. دستور امام امت در مورد استفاده از اینگونه شیوه‌های قتل عام است. براساسی که امام امت در "اخلاق اسلامی و انسانی" روی سلطان تیمور پادشاه سابق عمان، هایل لاسی، و دیگر جنایتکاران تاریخ را سفید کرده است.

آست شیطان . همانطوریکه بارها و بارها در ظرف دوماال و نیم گذشته دیده‌ایم، وقتی که بحران مرگ بارکنونی را پشت سر گذاشت، بیکار دیگر سریش همگان خواهد خندید.

• شیخ علی نهرانی، یکسال پس از آغاز دومین جنگ سراسری کردستان، در یکی از شماره‌های نشریه "معاهد" لاس کرد که رهبران جمهوری اسلامی پس از "خوب آمدن استخاره" این جنگ را آغاز کردند. خمینی مانند دهها مورد گذشته، هر بار که در تنگنا می‌افتد و رژیم خود را در معرض خطر می‌بیند، به غیبت صغری و بست نشستن متوسل میشود و شاید یکی از عوامل موثر در تصمیم‌گیری های او استخاره باشد. از یک مشت دعا نویس و روزه‌خوان و توضیح المعائل نویس، برای حل معضلات جامعه، ترفعی ستر از این هم نباید داشت.

پرتوان بلا اتحاد کارگران علیه سرمایه‌داران

به یاد ابوالفضل و منوچهر

رفقا منوچهر دستنبو و ابوالفضل صالحی روز ۱ تیر، به هنگام پخش اعلامیه‌ی سازمان در پاره‌ی شهادت رفیق سمیع سلطانپور، در تبریز بدست پاسداران ظلم و جمل اسیر شدند و پنج هفته بعد خبر اعدامشان در روزی نامه‌های رژیم به چاپ رسید. در رهائی ۹۲ شرح کوتاهی داشتیم از زندگی و مبارزات این دو رفیق. آنچه در زیر میخوانید گزارشی است از وضعیت شهادت رفیق دستنبو که وحشیگری غیر قابل تصور جلادان خصمی را بخصی نشان میدهد، وحشیگرهایی که مطابق قوا، های خود خصمی انجام میشود.

میرند که استخوان کف او نیز شکسته شده و شکاف در محل شکستگی مشخص است. علاوه بر این سه انگشت یکی از دستهای رفیق نیز بریده و از کف دست جدا شده بود. تنها جای کلوله‌ای که در جسد مشاهده شد در دهان وی بود. معلوم بود که کلوله‌ای را به داخل دهان رفیق شلیک کرده‌اند که در اثر آن یک طرف صورتش از هم پاشیده شده و زناش از ناحیه کردن بیرون زده بود.

خانواده رفیق ابوالفضل طریقم مراجعات مکرر به دادگاه انقلاب، هنوز موفق به دریافت جسد نشده‌اند. به احتمال قریب به یقین وضع رفیق ابوالفضل از رفیق منوچهر بدتر بوده است.



رفقا منوچهر دستنبو و ابوالفضل صالحی، دو تن از رفقای سازمان ما، در روز ۱۰/۴/۶۰ به هنگام پخش اعلامیه در تبریز دستگیر میشوند. خانواده‌هایشان که بدنبال دستگیری آنها اکثر کمیته‌ها و سپاه و دادگاه انقلاب را به خاطر پیدا کردن فرزندانشان گشته بودند، کویکسشن آثری از آنها نیافتند. خانواده‌ها به هر کمیته‌ای که مراجعه میکردند جواب نمیدهند که ما چنین کسی را در اینجا نداریم. بالاخره نام رفقا را در روز نامه‌های ۱۴ مرداد نوشتند و اعلام کردند که اعدام شده‌اند. روزنامه‌های کیهان خبر را با عنوان ۳۷ قاجاقین در تبریز اعدام شدند چاپ کرده و فقط در متن خبر نام دو رفیق را آورده بود. بدنبال همین خبر، وبی یک روز تأخیر، خانواده‌ها برای دریافت جسد‌ها به دادگاه مراجعه میکنند. مسئولین دادگاه جواب میدهند که به وادی رحمت (گو رستان تبریز) مراجعه کنید. خانواده‌ی دستنبو به گورستان رفقا و تقاضای استرداد جسد را میکنند تا آنرا به شهر خودشان ببرند. مسئولین اظهار میدارند که ما چهار روز این جسد‌ها را در سردخانه نگه داشتیم و ۹ روز است که آنها را بخاک سپرده‌ایم. خانواده‌ها روزنامه را نشان میدهند و میگویند شما در این تاریخ (۱۴ مرداد) اساساً را اعلام کرده‌اید و از آن تاریخ سه روز میگذرد. ما چه از نظر قانون و چه از نظر شرع مجازیم که نیش قهر کنیم. بالاخره بعد از صحبت فراوان خانواده‌ی رفیق دستنبو موفق میشوند که اجازه نیش قبر را از دادستان بگیرند. پس از نیش قبر متوجه میشوند که جسد رفیق را بدون شستشو و کفن کردن با پراهنی که به تن داشته در نایلونی پیچیده و در قبر گذاشته‌اند. پس از آنکه نایلون را باز میکنند تا جسد را مشاهده عینی کرده و آنرا در نایلون نیشی پیچند متوجه میشوند که جای کلوله‌ای در بدن وجود ندارد و پاهای رفیق منوچهر را روی سینه اش قرار داده‌اند. خانواده‌ی رفیق منوچهر میگویند که دوپای او را از ناحیه ساق و جند جای دیگر شکسته و باز پس می

کفتر از ده روز پس از شهادت رفقا دستنبو و صالحی، مردوران رژیم در جلسه‌ی ۱۸ مرداد مجلس خود در حینوی بهترین شیوه‌های شکنجه و اعدام بحث میکردند. در حالیکه تنها از ۳۰ خرداد تا ۱۸ مرداد بیش از ۵۰۰ تن مبارزان انقلابی در شکنجه‌ها با درمداهای تیر رژیم شهید شده بودند. مزدوری به نام عباسی به اربابان خود پادآوری کرد که:

اگر دست و پایی کسی را ببرید او را در خیابان بیندازید ((میدانید)) چه اثر قاطعی خواهد داشت!

و جلاد موسوی تبریزی با قاطعیت اظهار نظر کرد که:

امروز بهترین راه، مبارزه با ضد انقلاب، به صلاحدید همه حکام شرع اعدام است. تنها در ۸۰ روز گذشته نزدیک به ۱۶۰۰ مبارز انقلابی اعدام شده‌اند. جلادان خصمی دستباز پاهای بسیاری را شکسته و بیجا بریده‌اند و آنرا سینگ خود را بر بدنهای بسیاری خاموش کرده‌اند. اما پروازهای همه روزه مردوران ریز و درشت رژیم به لقالله بهترین گواه است. اینکه هیچ یک از این وحشیگرها، اشرف قاطع نداشته و نخواهد داشت. ریسمان الهی پیوسته‌ای که خصمن و حکومتش به آن چنگ زده‌اند در حال از هم گسستن است. روز مرگ این حکومت ظلم و فساد و جمل در نخواهد بود.

اگر چه منوچهر و ابوالفضل در آنروز در کنار ما نخواهند بود، اما پادشان هرگز از خاطرمان نخواهد رفت. ما راه این دو رفیق و هزاران کمونیست دیگر را که در سراسر جهان برای برقراری آزادی و عدالت اجتماعی، برای برقراری سوسیالیسم، جان فدا کرده‌اند ادامه خواهیم داد.

گزارشی از مبارزات خلق کرد

روز یکشنبه ۸ شهریور، روزنامه‌های جمهوری اسلامی سخنگوی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بسا کمال وقاحت و بیشرسی ادعا کرد که پیشمرگان کرد به داخل شهر "نفوذ" و "مردم عادی" را به گلوله بسته‌اند. اخیراً گزارشی دقیق درگیری پیشمرگان با پاسداران سرمایه و مزدوران رژیم را دریافت داشته‌ایم که در زیر اقدام به درج آن می‌کنیم.

پنج شب ۵ شهریور ساعت ۵/۳۰ پاسداران ظهر زنده‌ای از پیشمرگان کرد وارد شهر شدند و کنترل قسمتی از شهر یعنی منطقه اطراف سپاه پاسداران را بدست گرفتند که متعاقب آن درگیری شدیدی در این قسمت شروع شد.

در قسمتهای دیگر شهر، پاسداران قاضی حافظ سرمایه و جاشهای مزدور بر روی مردمی که در خیابانها و با در بازار شهر بودند آتش گشودند که منجر به شهادت حداقل سه معزز مردم شهر شد. مردمی که در خیابانها و با در بازار بودند به خانه‌های انحصاری دیگر پناه بردند. ریسر کوچه‌ها و خیابانها بوسیله افراد پلیس، پاسداران و جاشها اشغال شد. و شب‌ها نیز در همین خانه‌ها سر کردند. با وجود این روحیه‌ی مردم بسیار خوب بود و با جوانانی به همدگر خبر میدادند که پیشمرگان وارد شهر شده‌اند. با پخش شدن خبر ورود پیشمرگان به شهر در محله‌ها خانه‌ها مساط غذا فراهم آمد تا در صورت احتیاج پیشمرگان، به آنها غذا برسانند.

از طرف دیگر پیشمرگان قهرمان با جنس‌های سربع عمده‌ی زیادی از مزدوران رژیم را به هلاکت رسانده و یک جیب‌ارزش را نیز به آتش کشیدند. درگیری تا پاسی از شب ادامه پیدا کرد و پیشمرگان ساعت ۲ صبح از شهر خارج شدند، ولی طبق معمول، شهر تا ساعت ۵ صبح از سوی پادگان به توپ و خمپاره بسته شد. در جریان درگیری دو نفر از پیشمرگان قهرمان به شهادت رسیدند، ولی تلفات مزدوران رژیم بسیار زیاد بود یعنی که جسدها را با ریه‌های ارتشی به پادگان منتقل میکردند. در ضمن پیشمرگان ۴۵ نفر جاش و پاسدار بوسیله‌ی پیشمرگان طبع سلام و از شهر بیرون برده شدند.

روز جمعه ۶ شهریور ساعت ۷ صبح پاسداران رسادی ارتشی و جاش و پاسدار و پاسان وارد شهر شده و شروع به تازشی خانه‌های مشکوک کردند و در همین صحن مردم را به زور رفتارهای خناسی از خیابانها به خانه‌ها پناه بردند. خانه‌های مردم با محروم‌اندانه پیدا کرد و در این مدت به کسی اجازه‌ی خروج از شهر و یا حتی از خانه داده نشدند. شب‌ها در سکوت عمیقی فرو رفته بود و تنها رگبار گلوله‌ها از بیگانه‌ی مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بود که

با دیدن حتی یک بجدی هیچ شتر ماله در کوچه و یا خیابانی سکوت شهر را میشکست.

شب ۲ شهریور: امروز نیز مانند دیروز قاضیهای سطح رژیم جمهوری اسلامی در ماشینهای گشتی به ایجاد و وحشت در بین مردم پرداختند. سعی معارفه‌ها را با زور تعطل کردند و حتی درهای مسواپی‌ها را به بهانه‌ی بیخشن‌شان برای کوبه‌ها بستند. طرف دیروز تا امروز چندین نفر از مردم عادی دستگیر و با سپاه پاسداران برده شدند.

یکشنبه ۸ شهریور: امروز نیز مزدوران رژیم جمهوری اسلامی ضحاکان با ارمات و در ضمن به خانه‌های بی‌نای خود در نقاط مختلف شهر ادامه دادند. ساعت ۸ صبح اعلام خبر انفجار بمب در دفتر نخست‌وزیری جاشها، پاسداران و ارتشی‌ها به خیابان رحمت ولی مانند سایر خیابانها مزدوران به خانه‌ها خود حمله کردند زیرا وحشیانه درود سحرگانه‌ی ضحاکان را از آنها انتظار داشتند.

دوشنبه ۹ شهریور: امروز مردم در خیابانها رفتن آمد میکردند اما معارفه‌ها بطور کلی در تمام نقاط به محض اعلام به ماند. مزدوران میبش شدند مردم را بزور وادار به عزیمت کردی کنند. انبیم برای جاشها که از رژیم جمهوری اسلامی از شدت محروم و سخت‌ور به عزیمت در حالیکه این مزدوران محوس آگاهند که ماهیت این جنایتکاران نارویم بغوس برای خلق سخت کرد روس شده است و خلق کرد با ایشان به ادامی را خسر تنها در سوگ از دست دادن پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومت می‌بینید.

امروز ورود و خروج از شهر که پس از چندین روز قطع شده بود، آزاد شد.

شیر میوش حاکی از اینست که تعداد گهگاهی که در درگیری روز پنج‌شنبه شرکت کرده بودند سیزده نفر بوده است.

چهارشنبه ۱۱ شهریور: در ساعت ۴/۵ صبح ظهر در جاده‌ی سفید - دوازده (در پنجاه کیلومتری سفید) سرسیده به گردنه (ایرانقاه) رسیدن از پیشمرگان کومه به گردنه. ارتشی و یک جیب‌سرمج حامل پاسداران را به دام انداختند و بعد ارتشی درگیری ریسو ارتش که حامل ۱۵ نفر ارتشی بود طبع سلام شد و سرمج حامل پاسداران را رموشانه از محل درگیری فرستادند. پس فرار سریع داد. ریسو ارتشی بوسیله‌ی پیشمرگان منفجر و ۱۵ نفر ارتشی دستگیر شده‌ی سر توسط آنان برده شدند. ساعتی بعد چندین تاک و ریسو ارتشی به محل درگیری رفته و چندین حرس از کندیهای مردم رجمنگش مردم دهات اطراف را به آتش کشیدند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی